

ده نگرشی که جلوی پیشرفت را می گیرد!

عقاید ابتدایی ما از روی رفتار و نگرش های پدر و مادر، معلمین، همکلاسی ها، تلویزیون، و سایر رسانه های جمعی شکل می گیرند. زمانی که جوان هستیم تصور میکنیم که بزرگترها بیشتر از ما درک می کنند، به همین دلیل هر چه را که می گویند باور می کنیم و به آنها اعتماد می کنیم. زمانی که بزرگتر می شویم به مرور زمان سیستم فکری مخصوص به خودمان را پیدا می کنیم، اما باز هم این امکان وجود دارد که بخشی از تفکرات و نگرش های زمان بچگی در وجود ما باقی بماند. گاهی اوقات خودمان هم متوجه نمی شویم که دارای یک چنین عقایدی هستیم.

۱- اگر در کاری شکست بخورید، بازنده هستید.

این اتفاق ممکن است در تمام طول دوران تحصیلی و یا دوران شغلی برای ما اتفاق بیفتد. همه انتظار دارند که ما همیشه برنده، برنده، و برنده باشیم. شما باید این عقیده را در ذهن خود پرورش دهید که اگر چیزی را امتحان کردید، و در آن شکست خوردید، باید آنقدر آنرا تکرار کنید تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کرده و پیروز شوید. اگر شما معتقد باشید که اگر در کاری شکست خوردید، آنوقت بازنده هستید پس باید بدانید که با این تفکر تمام مردم دنیا بازنده محسوب می شوند. با یک چنین اعتقادی فقط خودتان را از صحنه پیشرفت دور نگه می دارید. یک ایده نوین را جایگزین این تفکر غلط کنید.

۲- اگر اجباری به تغییر نیست چرا تغییر کنیم.

منظور من این نیست که به خاطر اصل تغییر و تحول در زندگی خود تغییر ایجاد کنید. بلکه نظر من این است که افراد باید با پیشرفت تکنولوژی خودشان را وفق داده از نوآوری ها بهره بیشتری در کارهای خود ببرند. ما باید تغییر کنیم تا بتوانیم در زندگی به جلو پیش برویم. تا آنجایی که می توانید از افرادی که به سکون تمایل دارند و از تغییر و تحول خوششان نمی آید پرهیز کنید. اگر متوجه تغییری می شوید که می تواند در زندگی شما پیشرفت ایجاد کند حتماً آن را امتحان کنید.

۳- تو به اندازه کافی مهارت نداری که از پس آن بریایی

هیچ کس در زندگی از همان ابتدا به اندازه کافی در کاری مهارت بالا نداشته و همه بالاخره از یک جایی کار خود را شروع کردند. اگر تصمیم دارید کاری را انجام دهید، پس از همین حالا شروع کنید، به این دلیل که خیلی چیزها را در مورد آن مطلب نمی دانید، به خود استرس ندهید. حتماً نباید مدرک دانشگاهی داشته باشید تا بتوانید از عهده کاری بر بیایید. باید آنقدر تلاش کنید تا به هدف خود برسید. منابع دیگری بجز دانشگاه هم هستند که می توانند اطلاعات مفیدی را در زمینه های مختلف در اختیار شما قرار دهند. فقط باید راه و روش مناسب را پیدا کنید. اگر کارهایتان را به درستی انجام دهید و از راه درست وارد شوید و ارزش های خود را دست کم نگیرید، به راحتی دیگران متوجه توانایی های شما خواهند شد.

۴- برای شروع کاری تازه خیلی دیر شده

میانگن عادی سن در اروپا برای آقایون ۷۵ و برای خانم ها ۷۹ است. این ارقام در امریکا و اروپا نسبت تقریباً مشابهی دارند. البته این رقم هر روزه در حال افزایش است و شاید روزی برسد که میانگین سن انسان ها به ۱۰۰ سال نیز افزایش پیدا کند. این بدان معناست که هیچ وقت برای شروع کار تازه ای دیر نمی شود. شروع یک کار یا معامله تازه، راه مناسبی است که ذهن خود را فعال نگه دارید. همچنین این کار می تواند اشتیاق لازم برای انجام سایر کارها را نیز در اختیار شما قرار دهد. به هر حال هر کسی در یک سنی از دنیا می رود، اگر بخواهید منتظر روز مرگ خود بنشینید، آنوقت به هیچ کاری نمی رسید، پس فقط هر کار تازه ای را امتحان کنید، اینطوری از زندگی لذت بیشتری خواهید برد.

۵- پذیرش جبر مطلق

این شما هستید که زندگی خود را کنترل می کنید و هیچ کس دیگری نمی تواند این کار را بدون خواست و اراده شما انجام دهد. خداوند در درون

شما نهفته است و نیروهای درونی شما را تقویت می کند. زمانی که نماز می خوانید، نه تنها شکر خداوند را به جا می آورید، بلکه خودتان را به یک زندگی بهتر ترغیب می کنید. زمانیکه از او طلب بخشش می کنید، از خودتان بخشش می خواهید. هیچ کس در جهان هستی نمی تواند واکنش های شما را کنترل کند. هیچ گاه اجازه ندهید یک چنین ایده ای به ذهن شما خطور کند. نباید به هیچ چیز و هیچ کس اجازه دهید که کنترل زندگیتان را به عهده بگیرند. برای خودتان زندگی کنید و به دیگران هم کمک کند که این کار را انجام دهند.

۶- قدر و لیاقت شما محدود نیست

این حقیقت که شما زنده هستید و زندگی می کنید، باعث می شود که از شما یک انسان منحصر بفرد بسازد. اگر می خواهید در تمام مراحل زندگی از دیگران برتر باشید باید برای آن زحمت بکشید و تلاش کنید. همه افراد دارای استعدادها و توانایی هایی هستند که خودشان هم از آنها خبر ندارند. همه چیز را امتحان کنید تا بالاخره چیزی را که به آن علاقه دارید پیدا کنید. من به شدت اعتقاد به تغییر و تحول دارم.. حتماً لازم نیست که در تمام طول عمر خود تنها یک کار را تکرار کنید. شیوه زندگی کردن خود را آنقدر تغییر دهید تا اینکه به راهی برسید که از صمیم قلب آنرا دوست می دارید.

۷- جهان اطراف ما تغییر نمی کند

دنیا از شما تشکیل شده. هر فردی که بر روی این کره خاکی زندگی می کند، یک دنیای متفاوت در ذهن خود دارد. تو دنیا را همانند من نمی بینی و من هم دنیا را مانند تو و خیلی از افراد دیگر نمی بینم. بنابراین همه چیز در دنیا به شما بستگی دارد. حالا به من بگویید: برای تغییر دنیای خود قصد دارید چه کاری انجام دهید؟

۸- هیچ کس مرا قبول ندارد

من به شما اطمینان دارم اما نظر من هیچ ارزشی ندارد، نظر هیچ کس مهم نیست؛ شما خودتان هستید که باید به خود اعتماد کنید. به محض اینکه به خودتان ایمان پیدا کردید دیگران هم به شما اعتماد پیدا می کنند، اما سعی کنید خودتان را به نظریات دیگران وابسته نکنید.

۹- من هیچ وقت نمی توانم خیلی پولدار شوم

من این جمله را بارها و بارها از زبان دیگران شنیده ام. ذهن ما همان قدر پول در می آورد که انتظارش را دارد. اگر من دائماً به خودم بگویم: "هیچ راهی وجود ندارد که من بتوانم میلیونی پول در بیاورم" ذهنم دیگر دنبال راههای نمی گردد که از طریق آن بتوانم میلیون ها تومان پول بدست آورم.. اصلاً مهم نیست که افکار شما تا چه حد بلند پروازانه باشد حتی اگر به نتیجه هم نرسید حداقل یک ایده جدید را خلق کرده اید.

۱۰- هیچ کاری در این مورد از دستم بر نمی آید

ناآگاهانه است! شما می توانید جنبه های مختلف زندگی خود را تغییر دهید. برخی از افراد نمی توانند یک چنین نگرشی را در ذهن خود ایجاد کنید و این مسئله واقعاً شرم آور است. زندگی ممکن است دشواری های بسیار زیادی را داشته باشد و تصمیم گیری هم دل و جرات زیادی می خواهد، اما شما توانایی تغییر همه چیز را دارید. بدانید که از زندگی خود چه می خواهید، ببینید چه مرحله ای را باید طی کنید و بعد هم همه چیز را تغییر دهید